

## زمینه های اقتصادی تغییر چهره امرای نظامی دربار شاهرخ تیموری به حامیان هنر و آبادگران اجتماعی

چکیده :

یکی از ادوار درخشان و تابنده هنر و فرهنگ ایرانی در دوران تیموری رقم خورده است. حمایت فرهنگی در زمان تیمور جریانی مرکزگرا و قوی بود که از خود تیمور نشات می گرفت و به بناسازی و معماری محدود می شد. کشاکش برای کسب قدرت بیشتر و در نتیجه آغاز روند تمرکززدایی در زمان شاهرخ منجر به تقسیم قدرت و منابع ثروت در میان طبقات قدرتمند جامعه تیموری گردید. در این زمان حامیان فرهنگی جدیدی متولد شدند که پر اهمیت ترین آنها از میان امیران نظامی دربار شاهرخ بودند. هدف از مقاله پیش رو بررسی ارتباط میان اقدامات فرهنگی و تامین منابع مالی مرتبط با آن بخصوص در دوره تمرکززدایی از قدرت است و تلاشی است در جهت پاسخ دادن به این پرسش اساسی که چه تحولاتی به لحاظ اقتصادی، زمینه ساز حمایتگری امرای نظامی شاهرخ از فعالیت های عام المنفعه و فرهنگی بوده است؟ به این منظور ضمن مطالعه و بررسی تحقیقاتی که تا کنون در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این دوره صورت پذیرفته است با رویکردی تاریخی نگر و روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی تاثیر مولفه های چون معافیت های مالیاتی جدید و توجه ویژه به کشاورزی و تجارت، به عنوان مهمترین عوامل ظهور و جذب حامیان جدید فرهنگی خصوصا از میان امرای نظامی شاهرخ پرداخته شده است. نتایج مطالعات نشان می دهد، ساختار دگرگون شده اقتصادی در قالب برخی برنامه های معافیت مالیاتی و نیز رونق تجارت و شکوفایی اقتصادی اصناف شهری، در گرایش امیران نظامی به انجام فعالیت های عام المنفعه فرهنگی به منظور کسب مشروعیت بیشتر، تاثیر مستقیم داشته است.

**کلید واژه ها:** تیموریان، حامیان فرهنگی، معافیت مالیاتی، سیورغال، موقوفات، اُرتاق.

## مقدمه :

دوره تیموری را دوره رنسانس هنری ایران نامیده‌اند. بسیاری بر این عقیده‌اند که نیروی محرکه این نوزایی در ابتدا از سوی دربار تیموری فراهم آمد. آنها هنرمندان را از مراکز و جنوب ایران به دربارهای خویش در خراسان و ماوراءالنهر جلب نمودند و این ذوق و سلیقه شخصی شاه و شاهزادگان تیموری بود که توان و قدرت تازه‌ای را برای زیبایی‌شناسی ایرانی به ارمغان آورد. اما عده‌ای دیگر از پژوهشگران معتقدند سلائق زیباشناسانه اغراق‌آمیز شاهزادگان تیموری و سطح والای فرهنگی آنها را نمی‌توان در افزایش فعالیت‌های عام‌المنفعه فرهنگی دخالت داد چرا که حمایت از هنرها کاری بسیار پر هزینه و نیازمند منابع مالی قابل توجه است. از این منظر، بررسی تاثیر مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر تحولات هنری این دوره ضرورتی است که می‌بایست به آن پرداخته شود چرا که فهم هنر و فرهنگ هر دوره، در گروه فهم سازوکارهایی است که بسترساز فعالیت‌های فرهنگی و هنری آن دوره بوده است. با مرگ تیمور، جریان مرکزگرایی پر قدرتی که وی ایجاد کرده بود رو به اضمحلال نهاد و جریان مرکزگرایی که در دوران جانشینان وی ایجاد شد منجر به یک رشته تحولات زنجیروار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گردید که در دامنه آن، تغییر چهره امرای نظامی دربار شاهرخ به حامیان هنر و آبادگران اجتماعی نیز رقم خورد و به واسطه فعالیت‌های فرهنگی و عام‌المنفعه این حامیان فرهنگی جدید، روح تازه‌ای در کالبد فرهنگی این دوره دمیده شد. هدف از مقاله پیش رو بررسی ارتباط میان اقدامات فرهنگی و تامین منابع مالی مرتبط با آن، بخصوص در دوره تمرکززدایی از قدرت است. این مقاله تلاشی در جهت پاسخ دادن به این پرسش اساسی است که چه تحولاتی به لحاظ اقتصادی، زمینه‌ساز حمایتگری امرای نظامی شاهرخ از فعالیت‌های عام‌المنفعه و فرهنگی بوده است؟ به منظور پاسخ دادن به این پرسش تحولات اقتصادی موثر در دوره شاهرخ تیموری را به عنوان مهمترین عامل بستر ساز ظهور حامیان فرهنگی جدید در نظر گرفته و تاثیر سه مولفه معافیت‌های مالیاتی جدید و توجه ویژه به کشاورزی و تجارت را بر تغییر چهره امرای نظامی شاهرخ و تبدیلیشان به حامیان فرهنگی و آبادگران اجتماعی مورد سنجش و واکاوی قرار می‌دهیم.

## روش پژوهش و شیوه‌های مورد استفاده:

مقاله پیش رو، بر اساس هدف از نوع تحقیقات نظری و از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است. داده‌های این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای از منابع مکتوب و مطالعات صورت پذیرفته پیشین جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده و با رویکردی توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته‌است.

## پیشینه تحقیق:

پیشینه مطالعات انتشار یافته با موضوعیت هنر و فرهنگ دوران تیموری گستره متنوعی از روشها و رویکردها را تجربه کرده است که هر یک گواه وجود نظرگاه‌های مختلف پژوهشی نسبت به این موضوع است. در این میان کم نیستند مطالعاتی که ضمن باور به زمینه‌مندی تحولات فرهنگی و هنری، چگونگی ایجاد این تحولات را در بسترهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زمانشان پیجویی نموده‌اند و با رویکردی تاریخی‌نگر طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با هنر و فرهنگ تیموری را مورد بررسی قرار داده‌اند. علاوه بر اینها مطالعات تاریخی بسیار ارزشمندی وجود دارند که هر یک به طور جداگانه به بخشی از رویدادها و مسائل مربوط به دوران تیموری پرداخته‌اند که از مهمترین این مطالعات می‌توان به «تاریخ ایران دوره تیموریان» ویرایش پیتر جکسن (1381) و «تاریخ تیموریان» نوشته لوسین بوا (1389) اشاره نمود. آژند (1381) در مقاله «هنرپوری و هنروری در دوره شاهرخ تیموری» سیاست هنری دوره شاهرخ را با

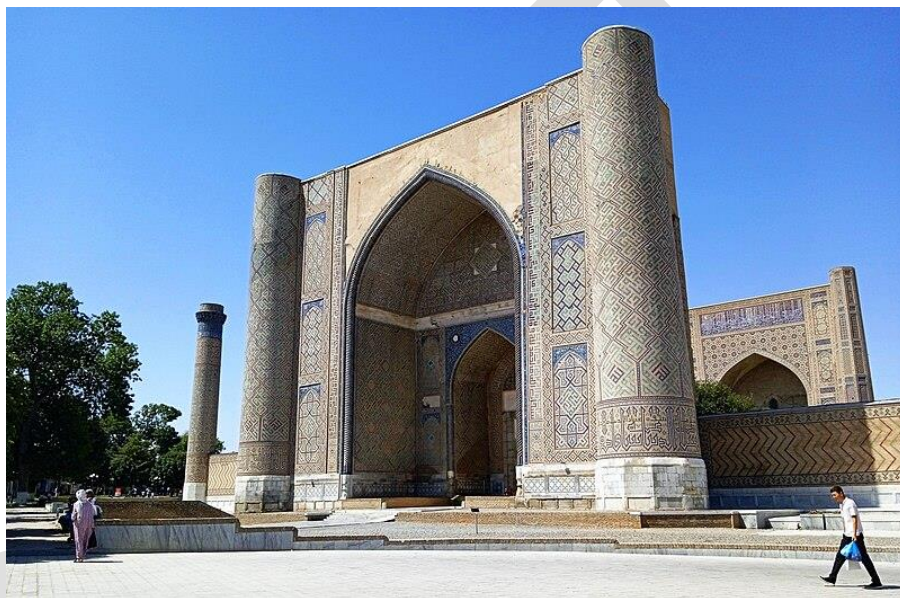
محوریت مسئله تمرکززدایی از قدرت مورد بررسی قرار داده است و ولی الله کاووسی (1389) نیز در کتاب «تیغ و تنبور؛ هنر تیموریان به روایت متون» با تقسیم‌بندی هنر دوره تیموری به سه دوره پیدایش (تیمور)، شکوفایی (شاهرخ) و اوج (سلطان حسین بایقرا)، اطلاعات وجود در منابع این دوره را مورد واکاوی قرار داده و با بررسی اقدامات هنری حاکمان تیموری به هنرهای رایج و شرح حال هنرمندان این دوره پرداخته است. منز (1392) نیز در کتاب «قدرت سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری» ضمن بررسی مناسبات میان دولت و جامعه تیموری با رویکردی سیاسی، بر عامل وحدت میان طبقات مختلف مردم تمرکز نموده و تشکیلات نظامی، سیاسی و دیوانی دوره شاهرخ تیموری را به تفصیل شرح داده است. با اینهمه در هیچ یک از مطالعاتی که تا کنون با موضوع هنر تیموریان در دوران شاهرخ صورت پذیرفته به نقش ویژه امرای او به عنوان حامیان هنری پرداخته نشده و بسترهای اقتصادی زمینه‌ساز این شکل از هنرپروری نظامیان، مورد توجه قرار نگرفته است. این مقاله بر آن است تا زمینه‌های اقتصادی تاثیرگذار بر تغییر چهره امرای نظامی دربار شاهرخ تیموری به حامیان هنر و آبادگران اجتماعی را مورد واکاوی قرار دهد.

### تیمور احیاء گر نظام پیشه وری و اصناف در شرق ایران :

فتوحات مغول در دهه‌های آغازین سده هفتم هجری تأثیرات سوء و مخربی بر حیات اقتصادی-اجتماعی ایران، خصوصاً در خراسان داشت. شهرهای آباد و پیشرفته قدیمی همچون مرو، بلخ، بخارا، هرات، نیشابور، ری و... به شدت آسیب دیدند (پطروشفسکی، 1366: 31). این کاهش جمعیتی، زندگی شهری و مدنی را با بحران و رکود مواجه ساخت و در عوض شیوه زندگی صحرائشینی و ایلپاتی را جایگزین آن نمود. شهرهای مهمی همچون مرو، بلخ، نیشابور و هرات مدتهای طولانی ویرانه باقی ماندند و بازسازی و احیای مجدد آنها تا عصر تیموریان به تعویق افتاد (رفیعی، 1386: 73). به گفته رشید الدین فضل الله همدانی تا پیش از غازان خان در شهرهای خراسان از هر ده خانه، پنج خانه خالی و ویران بود (رشید الدین فضل الله همدانی، 1367: 2809). یکی از مهمترین عواملی که بازسازی اقتصادی و رشد نظام شهری را در عهد مغول دچار مشکل ساخت، شیوه برخورد آنان با مردم شهر و روستا بود. امرای نظامی و اشرافیت چادر نشین مغول، سرزمین ایران را منبعی دایمی برای غارت و چپاول می‌پنداشتند و با وضع مالیات‌ها و عوارض جدید و بهره‌کشی ظالمانه از روستاییان و پیشه‌وران به وخامت این اوضاع آشفته، دامن می‌زدند. مالیات‌های سنگینی که بر فعالیت صنعت‌کاران و تجار اعمال می‌شد، خود مانع بزرگی برای احیای زندگی شهری بود (لمبتون، 1362: 192). در اثر وضع مالیات‌های جدید، پیشه‌وران شهری مجبور بودند شهر و دیار خود را ترک نموده و به مناطق امن‌تر مهاجرت نمایند. بدین ترتیب شهرهای کوچکتری که توانسته بودند از آسیب یورش استپ نشینان صحراگرد امان یابند نیز از جمعیت فعال و مولد تهی می‌شدند (رفیعی، 1386: 73).

با ظهور تیمور دور تازه‌ای از یورش‌ها آغاز شد. تیمور توانست با اتحاد قبایل، سپاهی از جغتائیان پدید آورد و حکومت سرزمین جغتای را که بنای آن به سستی گراییده بود از نو زنده کند و پورش‌های بنیان‌کن خود را به ایران و هند و آناتولی و سوریه آغاز نماید. تیمور در این یورش‌ها دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: نخست غارت خزاین و اموال منقول مردم و تاراج پیشه‌وران و صاحبان فکر و اندیشه و دوم، انتقال آنها به ماوراء النهر (آزند، 1384: 10). تیمور خود اهل سمرقند بود و در محیطی شهری رشد کرده بود. او و شاهدزادگان، اشتیاق وافری به بازسازی شهرهایی داشتند که مقر حکومتی‌شان بود تا از این طریق بتوانند در قلمرو اقتصادی دست به القائات سیاسی و فرهنگی زده و به این ترتیب خود را در جایگاهی برتر قرار دهند (رویمر، 1382: 140). اشتیاق تیمور به ساختن بناهای جدید و تعمیر ابنیه گذشته در بسیاری از منابع بازتاب یافته است. شاید بتوان مهمترین اقدام عمرانی تیمور را احداث مسجد جامع سمرقند دانست (تصویر 1). وی پس از فتح دهلی و بازگشت به سمرقند دستور ساخت این بنا را صادر کرد. در ساخت این بنا طبق گفته میرخواند حدود 200 تن از استادان سنگتراش آذربایجان، فارس و هندوستان مشغول به کار شدند و حدود

500 تن دیگر در کوهها به بریدن سنگ اشتغال داشتند (میرخواند، 1373: 1090). سمرقند روزگار تیمور را انبوه صنعتگران، افکار جدید و اشتیاق مفرط به اندازه‌های بزرگ فرا گرفته بود. در آن روزگار سمرقند از شهرهای مشهور و معتبر ماوراءالنهر بود؛ خاستگاه نخستین فرمانروایان ایران پس از اسلام که با قدرت گرفتن تیمور، بار دیگر فرصتی یافت تا به عنوان مرکز فرمانروایی ایران مطرح گردد. تیمور جهت آبادانی و زیباسازی سمرقند از هیچ کوششی دریغ نکرد او با متمرکز نمودن هنرمندان و صنعتگران در سمرقند و صرف مال بسیار، در مدت زمان کوتاهی این شهر را به یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل نمود. او هنرمندان، معماران و صنعتگران را از سراسر سرزمینهای مفتوحه به سمرقند فرستاد و به این ترتیب، هنرمندانی از خوارزم، تبریز، شیراز، اصفهان و کاشان و سرانجام از بغداد و هند و شام، در دربار تیمور مشغول به فعالیت شدند (طاووسی، 1387: 24). بدون تردید اقدامی که امیر تیمور در خصوص انتقال و اسکان اهل حرفه و پیشه‌وران به شهرهای ماوراءالنهر و خراسان، خصوصاً سمرقند و هرات به عمل آورد، عامل قطعی در ایجاد و سازمان یافتن اصناف شهری در دوران جانشینان او به شمار می‌آید (رفیعی، 1386: 78).



تصویر 1: مسجد جامع یا مسجد بی بی خانم سمرقند (Ulugh Beg)

### ضعف قدرت مرکزی و ظهور حامیان جدید فرهنگی:

حمایت فرهنگی در زمان تیمور جریانی مرکزگرا و قوی بود که از خود تیمور نشات می‌گرفت و به بناسازی و معماری محدود می‌شد و سایرین کمتر به حمایت از این نوع برنامه‌ها برمی‌خاستند. اما با شروع روند گریز از مرکز در زمان شاهرخ، شرایط طور دیگری پیش رفت. امرای مقتدر ترک، اعضای برجسته قبایل جغتای که در قبال خدمات نظامی، سیورغال دریافت کرده بودند به خصوص در زمینه معماری، به حمایت از بناسازی پرداختند که از جمله معروف‌ترین این امرای می‌توان به امیر شاه ملک جلال‌الدین فیروز شاه اشاره کرد. با مرگ تیمور و آغاز مبارزات درون خانگی شاهزادگان تیموری و نیز تغییر جهت دادن مداوم بخشی از نخبگان نظامی صحراگرد ترک، شرایطی پیش آمد که تنها حربه سیاسی موثر شاهزادگان تیموری برای کنترل کردن و به خدمت گرفتن این نخبگان نظامی، واگذاری امتیازات مالی منظم به ایشان بود. این امتیازات یا به صورت "سیورغال" یعنی واگذاری عواید تولیدات زمین صورت می‌پذیرفت یا در قالب دیگر اشکال معافیت مالیاتی انجام می‌شد (سابتلنی، 1384: 181-207).

اگرچه تیموریان از چندین شهر بزرگ، بر تمامی قلمروشان نظارت می‌کردند اما سطح نظارت و سلطه آنان در همه نواحی یکسان نبود. سلسله مراتب اعمال نظارت تیموریان بر شهرها و مناطق و نواحی مختلف به این صورت بود که هرات به عنوان پایتخت عملاً تحت سلطه و نظارت دربار تیموریان قرار داشت و در نتیجه در راس این سلسله مراتب جای می‌گرفت. در مرتبه بعدی، مراکز ایالات بزرگ نظیر شیراز و سمرقند قرار داشتند که به دست شاهزادگانی اداره می‌شدند که سپاهی بزرگ در اختیارشان بود و در سطح بعدی نیز مراکز درجه دومی نظیر یزد و کرمان قرار داشتند که حکمرانان‌شان شاهزادگان کم‌اهمیت‌تر و یا امیرانی بودند که هر کدام دیوان ایالتی و سپاهی متشکل از سربازان جغتای در اختیار داشتند (همان: 179). با این اوصاف قلمرو تیموریان، مملو از نیروهای گریز از مرکز بود و حکومت مرکزی تنها نیروی منحصر به فرد به شمار نمی‌آمد. در چنین شرایطی حکمرانی، هنر موازنه میان منافع رقیب و تنبیه و تشویق‌های عبرت آموز بود.

### زمینه های اقتصادی موثر بر فعالیتهای فرهنگی امرای تیموری:

در نظر نخبگان نظامی صحراگرد، فرهنگ‌پروری و حمایت فرهنگی، تقلید و تشبیه‌جویی از فرهنگ معتبر ایرانی - اسلامی بود البته بدون آنکه سنت‌ها و آرمان‌های بیابانگردی خویش را کاملاً فراموش کرده یا فرو گذارند. بسیاری از امرای نظامی دوره تیموری با انگیزه‌هایی سیاسی به حمایت فرهنگی به خصوص در اشکال متظاهرانه و تجملی آن نظیر بناسازی، روی می‌آوردند. پشتوانه اقتصادی این قبیل فعالیت‌ها، سیاست‌های مالیاتی ویژه‌ای بود که می‌توان آنها را در سه شاخه کلی 1- مالکیت‌های ارضی 2- تخصیص هزینه کرد مالیات ایالات در خود ایالات و 3- موقوفات، مورد بررسی قرار داد. در کنار این سیاست‌های مالیاتی، عامل اساسی دیگری که در ایجاد بسترهای اقتصادی موثر در جذب امرای تیموری به فعالیت‌های عام‌المنفعه تاثیر مستقیم داشت، تشریک مساعی میان ایشان و طبقه بازرگانان بود.

#### 1- مالکیت های ارضی

اصطلاح مغولی "سیورغال"، در اصل به "عمل حمایت" (از سوی حاکم)، "عطیه و هبه" اطلاق می‌شده است. اصطلاح "سیورغامیشی" که در دوره مغولان ایلخانی باب شد نیز چنین مفهومی داشته است. سیورغال یا واگذاری تیول به نوعی از اراضی گفته می‌شود که مالکیتشان موروثی بوده و کاملاً از پرداخت مالیات معاف بودند. دولت مرکزی در آنها از مداخله قانونی و دیوانی پرهیز می‌نموده و عمال حکومت نیز از هر نوع دخالت در آن، حتی قدم گذاشتن بدان برحذر شده بودند. بنابر این حق اداره اراضی و جمع‌آوری مالیات، از اختیارات صاحب سیورغال بشمار می‌آمده است. این شکل از مالکیت ارضی، پیش از دوره تیموریان نیز وجود داشت اما درست در زمان حکومت تیموریان و سلسله‌های ترکمان در سده نهم هجری / پانزدهم میلادی، توسعه یافت و به یکی از مهمترین اشکال مالکیت ارضی در ایران و آسیای مرکزی تبدیل شد (فراگز، 1382: 183-222). در واقع نخستین مورد شناخته شده از این شکل مالکیت، به دوره آل جلایر باز می‌گردد اما صورتبندی و تثبیت نهایی آن مربوط به دوران پسا ایلخانی است. سیورغال در دوره‌ای از ضعف قدرت مرکزی چهره بر بست و در دوره تیموریان، قراقیونلوها و آق‌قویونلوها، مانع محکمی در برابر مرکزیت‌گرایی سلطنت گردید (همان: 228).

در نگاه نخست چنین به نظر می‌آید که این واگذاری‌ها موجب کاهش قدرت دربار می‌گردد، اما شاهرخ تیموری برای جلوگیری از افزایش قدرت دارندگان تیول و سیورغال، دست به اقدامات متقابلی می‌زد. هنگامی که به موقعیت و مکان سیورغال‌ها نظر می‌افکنیم متوجه خواهیم شد که این نوع از واگذاری‌ها تا حد زیادی به جلوگیری از تمرکز قدرت منطقه‌ای کمک کرده است. سیورغال امیران و شاهزادگان معمولاً در ایالت‌های محل مأموریت‌شان قرار نداشت و این احتمال مطرح است که واگذاری سیورغال‌ها به منظور پیشگیری از قدرت‌یابی امیران در مناطق و تضعیف قدرت

شاهزادگان حاکم ایالات صورت پذیرفته باشد(منز، 1392: 186). در واقع پراکندگی منافع امیران نظامی در بیش از یک ایالت، در خدمت یکپارچگی قلمرو تیموریان بوده است. صاحبان سیورغال، به خصوص آنهایی که جزء نخبگان نظامی ترک بودند معمولاً در اراضی سیورغالی خود اقامت نداشتند، آنها ترجیح می‌دادند که با خانواده و ملازمانشان در شهرهای بزرگ اقامت گزینند و این عاملی بود که به انباشت ثروت در مراکز و غنای حیات فرهنگی این مراکز، منتج می‌شد(سابتلنی، 1384: 206).

## 2- تخصیص هزینه کرد مالیات ایالات در خود ایالات

در زمان شاهرخ تیموری حکمرانان ایالات از استقلال مالی گسترده‌ای برخوردار بودند و مالیات‌ها اغلب در خود ایالات هزینه می‌شد. گرچه در این زمینه شیوه‌های متفاوتی وجود داشت(منز، 1392 «182»); چنانکه به هنگام انتصاب بایسنقر و الیاس خواجه به حکومت، قرار بر این شد که درآمد‌ها به عنوان سیورغال در اختیار خود آنان قرار گیرد(حافظ ابرو، 1372: 571) اما هنگامی که غنا شیرین به حکمرانی کرمان رسید دفاتر دیوان به هرات منتقل شدند(Aubin, 1956: 51). هر حکمران جدید مقام و مسند جدیدش را با اجرای طرح‌های ساختمانی عام المنفعه به رخ مردم می‌کشید و به این ترتیب اقدامات حکمران پیشین را تحت الشعاع فعالیت‌های خود قرار می‌داد(منز، 1392: 283). ساخت و سازهای عام المنفعه و تعمیر و نگهداری مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، نوانخانه‌ها، آب انبارها و نه‌رها، بازار و حمام بخشی از کاردانی و شیوه حکمرانی نیک حاکمان بشمار می‌آمدند. مالیات‌ها اغلب و در وهله نخست به جیب صاحب منصبان می‌رفت و بخشی از آن نیز به صورت کارهای خیریه به جامعه باز می‌گشت. منافع امیران، کارگزاران حکومت و اعیان شهر کاملاً با یکدیگر مرتبط بود. اجرای طرح‌های ساختمانی و حمایت از اهل فرهنگ، نشانگر وجود منافع مشترک و همکاری‌های دو جانبه‌ای است که اعیان شهری را به حکومت ایالتی تیموریان پیوند می‌داده است(همان: 275).

## 3- موقوفات

وقف در لغت به معنای ایستادن و پایداری است و در اصطلاح عبارت است از نگهداشتن و حبس کردن عین ملک و مصرف آن در راه خدا و در اصطلاح قانون مدنی عبارت است از «حبس عین و تسبیل ثمره بر حسب نیت واقف» (دهخدا، 1374: 20535). پیشینه وقف در ایران به عنوان مسأله‌ای اجتماعی به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد. حمزه اصفهانی در مورد وقفیات یکی از پادشاهان ساسانی می‌نویسد: «در ده حروان از روستای جی آتشکده‌ای به نام سروش آذران ساخت و قریه یوان و جاچاه از روستای لنجان را به آن وقف کرد» (حمزه اصفهانی، 1367: 51). پس از اسلام نیز ایرانیان به وقف اموال جهت تاسیس مسجد، مدرسه، اشاعه آیین جدید و کارهای عام المنفعه نظیر ساختن کاروانسرا، پل، حفر قنات و دارالشفا و ... پرداختند. با این حال منابع، اطلاعات روشنی درباره جایگاه نهاد وقف در سیستم اداری قرون نخستین اسلامی در اختیار نمی‌نهند و تنها موردی که در متون این دوره به آن اشاره شده است ذکر نام دیوان اوقاف در دوره سامانیان است که مسئولیت آن رسیدگی به مساجد و اراضی موقوفه بوده است (ابوسعید، 1385: 59). در حملات اولیه مغولان و حکومت اولین ایلخانها، بسیاری از املاک و اراضی موقوفه به تصرف ایشان در آمد و در قالب اینجو و خالصه در اختیار دیوان گرفت(اشپولر، 1368: 326). اما با روی کار آمدن عناصر ایرانی در دستگاه حکومتی ایلخانان به خصوص خواجه رشید الدین، جریان وقف از رکود مقطعی خارج شد. موقوفات بسیاری برای رهایی از مصادره یا معافیت مالیاتی اموال و املاک شکل گرفت و از محل همین موقوفات، بسیاری از مساجد و مراکز علمی و اماکن عام المنفعه ساخته و نگهداری می‌شد(عنبری: 1391: 3). تیمور نیز با هدف عمران و آبادانی به مسئله وقف توجه ویژه نشان داد. انگیزه‌های وی در این کار هر چه باشد، مورد تحسین قرار گرفت و به تقلید از وی بسیاری از امرای تیموری و علی‌الخصوص شاهرخ به این سنت حسنه روی آوردند(همان: 4) چنانچه خواجه غیاث

الدین سمنانی از امرای تیمور در سال 806 خانقاهی بزرگ روبروی ساختمان دارالفتح یزد موسوم به « دارالغربا » بنا کرد و املاک و رقبات فراوانی بر آن وقف نمود (مستوفی بافقی، 1340، ج 3: 150). وضعیت در این دوران به گونه‌ای بود که به نوشته منابع « مشایخ یزد به سبب فراوانی موقوفات، نذورات را از مردم نمی‌پذیرفتند » (تاج الدین یزدی، 1987: 165).

واقفان دوره تیموری را می‌توان به چهار گروه اصلی تقسیم نمود: الف) سلاطین تیموری ب) خاندان سلطنتی ج) حاکمان و امرای تیموری د) مردم عادی (عنبری، 1391: 12). وقفیات معمولاً به انگیزه مشروعیت بخشیدن به تملک زمین، جلوگیری از غصب و مصادره، احسان و خیرخواهی و ... صورت می‌پذیرفت. سیستم وقف دارای امتیازاتی بود که بانی آن را در برابر هر نوع مصادره و مالیات حفظ می‌کرد و به او اجازه می‌داد که اعضای خانواده خود را در شمار مستمری بگیران موضوع وقف قرار دهد. به این طریق، جنبه اقتصادی وقف، در برخی موارد بیشتر از جنبه مذهبی آن مطرح بوده است (گلمبک، 1374: 94). حاکمان و خواتین آنها در ایام بی‌ثباتی سیاسی با تبدیل املاک خود به موقوفه، این املاک را نه تنها از افتادن به دست جانشینان نالایق و یا غاصبان سیاسی حفظ می‌کردند بلکه با این کار اعتبار و حیثیت زیادی هم بین مسلمانان برای خود فراهم می‌آوردند (سابتلی، 1384: 189).

یکی از مشهورترین امرای تیموری که موقوفات بسیار گسترده‌ای در مرکز ایران دارد، امیرچخماق است که مجموعه امیرچخماق یزد شامل بازار، تکیه، مسجد و دو آب انبار از او به یادگار مانده است (تصویر 2). نظام الدین چخماق فرزند جلال الدین بن تیمور شامی یکی از امرای جنگجو و شجاع یزد در دوران حکومت شاهرخ بود. در کتب تاریخی یزد شرح مفصلی از کارهای عمرانی در وقفیاتی که توسط امیر چخماق و همسرش بی بی فاطمه اداره می‌شدند ارائه شده است و آثار تاریخی برجای مانده، بیشتر حاصل وقفیات امیر چخماق است تا فعالیت‌های اجرایی وی به عنوان حاکم شهر (ایوانکه، 1384: 36). یزد به مدت سی سال تحت حکمرانی امیر چخماق - برگمارده شاهرخ - یک دوره صلح و آرامش را سپری کرد. امیر و همسرش، از حامیان ثابت قدم و فرهیخته هنر، معماری و ساخت و سازهای عام المنفعه بودند (منز، 1392: 281). بررسی متن وقفنامه‌ای که از این زوج باقی مانده است آشکار می‌سازد که اولین هدف چخماق و همسرش، حفظ اموال و دارائی خود برای فرزندانشان بوده است. تولیت موقوفه با فرزندان ذکور آنها بوده و مشرف و ناظر موقوفه نیز غیر از اولاد آنها نبوده‌اند (همان: 43).



تصویر 2- تکیه امیرچخماق یزد (Url 2).

#### 4- ارتباط تنگاتنگ امرای تیموری با طبقه بازرگان

مسئله تجارت و طبقه بازرگان از همان ابتدای بر تخت نشستن تیمور مورد توجه ویژه وی قرار گرفتند. چنان‌که کلاویخو می‌گوید: «تیمور پیوسته پشتیبان بازرگانی و داد و ستد بود تا از این طریق بتواند پایتخت خود را به یکی از مهمترین شهرهای مهم و عمده تبدیل نماید» (کلاویخو، 1366: 285). همانطور که پیشتر اشاره شد تیمور به عنوان احیاءگر نظام اصناف و پیشه‌وری، نخستین گامها را جهت شکوفایی اقتصادی و تجاری شهرهای شرق ایران برداشت و رویکرد وی در دوره جانشینانش بخصوص در مرکز و جنوب ایران پیگیری شد و بسیاری از شهرهای این منطقه از جمله یزد، شیراز و اصفهان از رونق اقتصادی بی‌نظیری بهره‌مند شدند. یزد به اندازه شیراز و اصفهان به کشاورزی متکی نبود و به علت خود بسنده نبودن یزد در تامین مایحتاج غذایی ساکنانش، اهالی آن بیشتر در امور تجارت و صنعت به ویژه ابریشم‌بافی و سایر منسوجات فعالیت داشتند (حافظ ابرو، 1378، ج 2: 110). صنعت قنادی پر رونقی نیز در یزد برقرار بود (Miller, 1990: 201) و اعیان شهر و امیران نیز دستی در تجارت داشتند و به احتمال زیاد بخش عمده ثروت‌شان را از رهگذر تجارت و صنعت بدست می‌آوردند (منز، 1392: 282). با وجود چیرگی تشکیلات اداری تیموریان بر منابع اقتصادی شهرهایی مانند یزد، بخش عمده قدرت اقتصادی در دست طبقه تجار بود. ثروت خاندان‌های بازرگان بیانگر قدرت و نفوذ اقتصادی آنان بود و کارگزاران حکومت جغتایی بر حیات اقتصادی این شهر چیرگی نداشتند (همان: 293). و همین امر باعث می‌شد برای دستیابی به قدرت و ثروت بیشتر به طبقه بازرگان و تجار شهر نزدیکتر شوند.

یکی از مشخصه‌های خاص طبقه بازرگان از قرن هشتم هجری به بعد ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با طبقه مالکان عمده است. صاحبان سیورغال‌ها، متولیان اراضی موقوفی و مالکان بزرگ ترجیح می‌دادند به عنوان شهروندانی متنفع در شهرهایی که دور از اراضی‌شان بود زندگی کنند. درآمدهای هنگفت، این امکان را به آنها می‌داد تا در انواع فعالیت‌های بازرگانی مشارکت کنند، آنان این کار را از طریق سرمایه‌گذاری و تخصیص مقدار زیادی از محصولات کشاورزی به شاهزادگان تاجر در ازای دریافت سهمی از سودشان انجام می‌دادند. شرایط این کار مهیا بود، چرا که حقوق رعایا در این دوران، همواره به صورت کالا پرداخت می‌شد. علاوه بر مالکان، حکام نیز در سرمایه‌گذاری مبالغی از سرمایه شخصی در امور بازرگانی، درنگ نمی‌کردند در واقع پدیده مشارکت حکام و مالکان در فعالیتهای تجاری یکی از ویژگی‌های بازرگانی در دوره تیموری است و حتی عنوانی به نام «أرتاق» به معنای «شریک» و «سهم‌بر» (فراگز، 1382: 242) برای شاهزادگان تاجر استفاده می‌شده است. البته باید در نظر داشت بسیاری از امرای تیموری جزء زمین‌داران بزرگ محسوب نمی‌شدند اما از طریق مشارکت در فعالیت‌های بازرگانی سود کلانی نصیبشان می‌شده است. به طور مثال شرح رقبات موقوفه که در وقف نامه امیر چخماق و همسرش درج شده است، نمونه‌ای است که بر مبنای آن می‌توان دریافت شکل و صورت ثروت یک امیر در دوره تیموری چگونه بوده است. بررسی املاک این زوج نشان می‌دهد که آنها جزء زمین‌داران بزرگ نبودند، زیرا حتی در سهام حقاچه قنات که بخش عظیمی از درآمد آنان را تشکیل می‌داد با دیگران شراکت داشته‌اند. با اینهمه منبع اصلی ثروت امیر چخماق، املاک تجاری از جمله دکانها و کاروانسرای موقوفه و همچنین کارخانه غیر وقفی قند بوده است (ایوانکه، 1384: 44).

### نتیجه گیری :

مجموعه‌ای از دگرگونی‌هایی که در نتیجه گسیختگی سیاسی پس از مرگ تیمور و اقتصاد مرکز گریز این دوره ایجاد شده بودند، منجر به نوعی خصوصی‌سازی و تمرکززدایی در جذب حامیان فرهنگی جدید به خصوص از میان امرای نظامی دربار شاهرخ تیموری گردید. برخورداری از معافیت‌های مالیاتی در قالب مالکیت اراضی سیورغالی و واگذاری هزینه کرد مالیات ایالات در اختیار حکمرانان، در کنار رونق بازرگانی و شکوفایی اصناف شهری و تشریک مساعی طبقه بازرگان و امرای تیموری در جهت کسب در آمد بیشتر و نیز حفظ سرمایه و دارایی مالکان و ثروتمندان از طریق



برنامه‌های وقفی، سبب شد تا امرای نظامی به انگیزه کسب مشروعیت سیاسی بیشتر با بهره‌گیری از ابزار فرهنگی، به یکسری اقدامات فرهنگی عام‌المنفعه که بیشتر در قالب فعالیت‌های عمرانی تعریف شده بودند اقبال نشان دهند. با پیگیری این روند یکی از درخشان‌ترین ادوار هنری ایران در دوران میانه با تکیه بر افزایش تعداد حامیان هنری رقم خورد.

## منابع

- ابوسعید، احمد بن سلمان، (1385)، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران .
- اشپولر، برتولد، (1368)، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، علمی فرهنگی، تهران .
- آژند، یعقوب، (1384)، تیموریان، ج 1، انتشارات مولی، تهران .
- آژند، یعقوب، (1381)، هنرپروری و هنروری در دوره شاهرخ تیموری، نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، دوره 3، شماره 1، 75-90.
- اصفهانی، حمزه بن حسن، (1367)، تاریخ پیامبران و پادشاهان، ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران.
- ایوانکه، الکیو، (1384)، موقوفات یکی از امرای تیموری (موقوفات امیرچخماق در یزد)، ترجمه سید محمد مهدی هاشمی، میراث جاویدان، شماره 49، 34-49.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، (1353)، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، پیام، تهران .
- حافظ ابرو، (1372)، زبده التواریخ، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، نشر نی، تهران .
- حافظ ابرو، (1378)، جغرافیای تاریخی، تصحیح صادق سجادی، ج 3، انتشارات میراث مکتوب، تهران .
- دهخدا، علی اکبر، (1384)، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- رشید الدین فضل الله همدانی، (1367)، جامع التواریخ، ج 2، به اهتمام بهمن کریمی، انتشارات اقبال، تهران.
- رفیعی، امیر تیمور، (1386)، سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال دوم، شماره ششم، 61-84.
- رویمر، ه، (1382)، جانشینان تیمور، تاریخ ایران دوره تیموریان، ویرایش پیتر جکسن، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات جامی، تهران.
- سابتلنی، ماریا، (1384)، فرهنگ دوستی و هنرپروری تیموریان و مبانی اجتماعی-اقتصادی آن، تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران .
- طاووسی، ولی الله، (1387)، زمینه‌های توسعه هنر در دوران تیموریان، آئینه خیال، شماره 12، 24-27.
- عنبری، مرضیه و انور خالدی، (1391). بررسی مساله وقف در دوره تیموری، تاریخ پژوهی، شماره 51، 1-19 .
- گلمبیز، برت، (1382)، اوضاع اجتماعی و اقتصادی عصر تیموری، تاریخ ایران دوره تیموریان، ویرایش پیتر جکسن، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.

گلمبک، لیزا و دونالد ویلر، (1374)، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی، تهران .

لمبتون، آن، (1362)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی فرهنگی، تهران .

منز، بغاتریس، (1392)، زمامداری و تفویض قدرت در قلمرو تیموری، تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.

میرخواند، (1373)، روضه‌الصفاء، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب، ج ۲، نشر علمی، تهران.

مستوفی بافقی، محمد مفید، (1340)، جامع مفیدی، تصحیح ایرج افشار، ج 3، نشر مهر آیین، تهران.

یزدی، تاج الدین حسن ابن شهاب، (1987)، جامع التواریخ حسنی، تصحیح مدرسی طباطبائی و ایرج افشار، موسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، کراچی.

Aubin, Jean .(1956). *Materiaux pour la biographie de Shah Nimatolla Wali Kermani*, Paris: bibliotheque Iranienne.

Miller, Isabel A.M. (1990). *The Social and Economic History of Yazd*, University of London.

Ulr 1: [https://en.wikipedia.org/wiki/Bibi-Khanym\\_Mosque#/media/File:%D0%9C%D0%B5%D1%87%D0%B5%D1%82%D1%8C\\_%D0%91%D0%B8%D0%B1%D0%B8\\_%D0%A5%D0%B0%D0%BD%D1%83%D0%BC.\\_%D0%A1%D0%B0%D0%BC%D0%B0%D1%80%D0%BA%D0%B0%D0%BD%D0%B4.jpg](https://en.wikipedia.org/wiki/Bibi-Khanym_Mosque#/media/File:%D0%9C%D0%B5%D1%87%D0%B5%D1%82%D1%8C_%D0%91%D0%B8%D0%B1%D0%B8_%D0%A5%D0%B0%D0%BD%D1%83%D0%BC._%D0%A1%D0%B0%D0%BC%D0%B0%D1%80%D0%BA%D0%B0%D0%BD%D0%B4.jpg)

Ulr 2: [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AC%D9%85%D9%88%D8%B9%D9%87\\_%D9%85%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D9%86\\_%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%B1%DA%86%D8%AE%D9%85%D8%A7%D9%82](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AC%D9%85%D9%88%D8%B9%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%B1%DA%86%D8%AE%D9%85%D8%A7%D9%82)

#### **Abstract:**

One of the bright and Phosphorous eras in Iranian culture and art has been marked in TIMURID period of reign. Cultural support in TIMUR period was a centripetal and strong current what was stemmed from TIMUR, himself, was restricted to architecture and building. Conflict on power and reaching it more and as a result, beginning to decentralization in SHAHROKH period led to division of power and resources among powerful classes of TIMURID society. At this time, new cultural supporters were been appeared that the military rulers of SHAHROKH court were the most important of them. A direct link between cultural proceedings and funding related to it makes a basic and important question: Which economic development made military rulers support cultural and utility activities? It's assumed that the new tax exemptions from SHAHROKH court and a kind of special attention to agriculture and business were the most important factor of appearance and attraction of the military rulers as the cultural supporters. In this article, meanwhile studying of researches about social, economic and political areas in this period, we'll track and consider about the cultural activities background of the military rulers of TIMURID court descriptively and analytically. The researches results show that more than everything, the changed economic structure in format of tax exemption programs and also an economic boom of business and its efflorescence made a direct effect on the military rulers to be attracted to the cultural and utility activities to reach more legitimation.

**Keywords:** Timurid, Cultural Supporters, Tax Exemption, Syurgical, Endowments, Ortaq.